

# نقش شورای محترم نگهبان در حراست از قانون

## در نظام اسلامی

### رفیع آن جایگاه

قسمت پنجم

#### نقش شورای محترم نگهبان در حراست از قانون

قانون گذاری در اسلام از ظرافت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. در نظامات دموکراسی و غیرالهی اگر پارلمان‌شان چیزی را تصویب کرد و برای مسئولان اجراء برای پیاده شدن فرستاد، از اعتبار قانونی برخوردار بوده و حالت منتظره ای ندارد و کلیه احکام و آثار قانون بر آن مترتب می گردد ولی در نظام اسلامی، قانون وقتی از اعتبار حقوقی برخوردار است و میشود آن را برای اجراء در اختیار مسئولان اجراء گذاشت و با شدت با کسانی که از عمل بآن خودداری کرده و اعتناء نمی کنند، برخورد کرد، که مغایر با اسلام و مقررات الهی نبوده و در چهار چوب احکام الهی قرار گیرد در صورتیکه نماینده تشخیص دهد، مفاد فلان ماده و تبصره مخالف با اسلام و مقررات اسلامی میباشد، نمیتواند طبق آن رأی دهد و آن را مورد تأیید قرار دهد، مگر در مواردی که موضوع مورد بحث، از مصادیق تزاحم و اهم و مهم باشد و ضرورتی پیش آید و موجب گردد بخاطر حفظ و بدست آوردن یک مصلحت اهم و بالا تر بصورت مقطعی و موقت از یک حکم شرعی که مهم است صرف نظر گردد و از عنوان ثانوی که ضرورت آن را تحمیل نموده است استفاده شود و حکم عنوان اولی و طبیعی کنار گذاشته شود البته خود این موضوع نیز از مسائل بسیار زنده و پیوسای نظام بوده و دارای ضوابط و چهارچوب خاصی است که انشاء الله در آینده در آن باره نیز بحث و بررسی بعمل خواهد آمد. آنچه که فعلاً مورد بحث و بررسی ما است این است که قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، وقتی از اعتبار قانونی برخوردار میگردد و دارای فداست و حرمت الهی میشود و مراعات کنندگان آن مستحق مدح و تشویق و پاداش و تخلف کنندگان مستحق ذم و توبیخ و مجازات کیفری میشوند که از جهت کنترل شده باشند.

الف: در چهارچوب قانون اساسی باشند و از اصول و چهارچوب قانون اساسی عدول نشده باشد.

ب: مغایر با شریعت مقدسه اسلامی نباشند.

در هر دو صورت اگر مغایر قانون اساسی باشد و مطابق با اصول و چهارچوب قانون اساسی نباشد و یا مغایر با احکام اسلامی باشد، قانون از اعتبار قانونی

ساقط و فاقد همه گونه ارزش حقوقی میباشد و این دو مسئولیت اساسی در محدوده قانون گذاری در عهده شورای نگهبان است. در عین اینکه خود نمایندگان باید دقت لازم را بعمل آورند و طبق قسمی که خورده اند، از حریم قانونی آن و اسلام دفاع نمایند. و قوانین مخالف قانون اساسی و شرع را تصویب ننمایند ولیکن در مواردی در اثر اختلاف در برداشتهای دینی و تشخیص ضرورتهای اجتماعی اختلاف نظر حاصل میشود. بعضیها آن را خلاف قانون اساسی میدانند و بعضیها برخلاف آنها آن را مخالف قانون اساسی نمیدانند زیرا که تفسیر حقوقی مختلفی دارند و همچنین در مواردی با توجه به بعضی از معیارها مفاد لایحه و یا طرحی را مخالف شرع نمیدانند و بعضیها بر خلاف آنها آن را مخالف میدانند برای اینکه این نوع اختلافها بصورت همیشگی و مستمر باقی نماند و در یک جا مسئله بریده شود و دقت بیشتری در تطابق آنها با اصول قانون اساسی و احکام اسلامی بعمل آید و ضریب تطابق مصوبات با قانون اساسی و احکام شریعت اسلام بالاتر رود مصوبات مجلس مجدداً باید در یک جمع کوچکتری که از علمیت و آگاهی بیشتری نسبت با احکام اسلامی و حقوقی برخوردارند مطرح گردد و آن جمع کوچکتر در قانون اساسی از ۶ نفر ققیه و ۶ نفر دیگر که حقوقدان میباشد، تشکیل میگردد. و ققیه شورای نگهبان آن مصوبه را مورد تأیید قرار داد و اعلام کرد که مغایرتی با احکام اسلامی نداشته و مطابق قانون اساسی است، در این صورت دارای اعتبار قانونی بوده و بر همگان لازم است از آن پیروی نمایند و هیچکس حق ندارد با هر بهانه و توجیهی از آن تخلف نموده و طبق آن عمل ننماید و هر کس تخلف نماید و از زیر بار عمل بقانون فرار کند مستحق کیفر و مجازات خواهد بود. و از همین جا روشن میشود که نقش شورای نگهبان در حراست از قانون احکام اسلامی چقدر بالا و تعیین کننده است و چون مهر درستی و قانونیت را شورای نگهبان میزند و در حقیقت چون مسئولیت حقوقی و مدنی و الهی آن‌ها در عهده شورای نگهبان است و بدون امضاء آنان هیچ مصوبه ای حالت قانونیت را ندارد، نقش نهائی را شورای نگهبان ایفاء مینماید و اگر آنان دقت کافی بخرج ندهند و یا تعمق کافی، اصول قانون اساسی و قواعد شریعت را مورد مطالعه قرار ندهند و با اظهار نظر سطحی مصوبه ای را رد و یا مورد تأیید قرار دهند و در نتیجه موجب تقویت مصالحی در جامعه گردند و در عمل مشکلات و معضلات همین طور بصورت لاینحل باقی بمانند میدانید که چه بار سنگین مسئولیت الهی را باید بدوش بکشند و در پیشگاه الهی باید پاسخگو باشند مخصوصاً امروز که اسلام مدعی است که میتواند همه مشکلات جامعه را برطرف نموده و راه حل ارائه نماید و داعیه رهبری دنیای اسلام بلکه دنیای بشریت را بطور عالی دارد و تنها الگویی که در ابعاد وسیع و گسترده سیاسی و اقتصادی و قانون گذاری و غیره تاکنون ارائه نموده است همانا نظام جمهوری اسلامی ایران میباشد. طبعاً اگر در این ارائه الگو موفق باشد امید است در جاهای دیگر نیز توفیق حاصل نماید و اگر در این محدوده از جغرافیای عالم نتواند الگوی زیبا و موثقی ارائه نماید، در آن داعیه جهانی بودن نیز زیر سؤال قرار گرفته و زمینه های زیادی از دست خواهد داد و لذا شورای محترم نگهبان با همه جایگاه رفیع و بلندی که دارند و بدون تردید بدون وجود و حضور آنان مجلس نمیتواند نقش قانون گذاری خویش را ایفاء نموده و قانونیت داشته باشد، دارای رسالت سنگینی و وظایف زیادی میباشد و نمیتواند در ایفاء آن رسالت سنگین و وظایف

گسترده از توجه بمصالح جامعه و شرایط خاص زمانی و مکانی و موقعیت انقلاب اسلامی و الگو بودن جمهوری اسلامی غفلت نمایند و تنها با الفاظ و عبارات و کلمات جمود نمایند و در همان محدوده اظهار نظر کنند در صورتیکه فقه و احکام اسلامی برای تأمین سعادت و مصالح جامعه و حل معضلات و مشکلات آنان است. در همین جا خوب و زیبا است ملاحظه کنیم که امام امت اسلام قدس سره در باره نقش و وظایف شورای محترم نگهبان در وصیت نامه خویش چه فرموده است:

«و از شورای نگهبان می خواهم، و توصیه می کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفاء و نحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی، بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجراء شود توجه نمایند.»

**در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: اصل نود و نهم:**  
بمنظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورائی بنام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل میشود: ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام معظم رهبری است.

۲- شش نفر حقوق دان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوق دانان مسلمانیکه بوسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی میشوند و با رأی مجلس انتخاب میگردند.

**اصل نود و سوم- مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.**

**اصل نود و چهارم- کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود و شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول**

از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد چنانچه آن را مغایر بیند برای تجدید نظر به مجلس باز گرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراء است.

**اصل نود و هشتم- تشخیص عدم مغایرت با مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضاء شورای نگهبان است.**

بوضوح دیده میشود امام عظیم الشان امت اسلام قدس سره و قانون اسلام با یک شیوه و همسو و همسان در باره جایگاه و نقش شورای نگهبان سخن گفته اند و شرائین که قانون اساسی برای فقهاء معتبر دانسته است و روی آگاهی فقهاء به مقتضیات زمان و مسائل روز تکیه نموده برای تأمین همان هدفی است که امام در وصیت نامه سیاسی الهی متذکر شده اند و بدون آن اصل فلسفه وجودی شورای نگهبان که پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی است قابل تحصیل نییابد و احکام اسلام تنها احکام اولیّه نییابد و احکام ثانویه نیز جزء احکام اسلامی است و نباید مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد و احکام اسلامی و فقه اسلامی که هادیا فلسفه زندگی بشری است، بدون نظام و حکومت که با ولایت فقیه تحقق پذیر است، یقیناً قابل اجراء و پیاده شدن نبوده و اگر هم پیاده شود با اسلام ناب محمدی (ص) که در سایه رهبری آن شخصیت عظیم الهی متبلور میگشت و عینیت می یافت تفاوت زیادی خواهد داشت و اساساً اسلام اصیل نبوی و علوی با ولایت و امامت و حکومت صالحه و عادلانه قابل تحقق و خارجیت یافتن است در قانون گذاری مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان هر دو علاوه بر اینکه باید بعنوان اولیّه و احکام اولیّه اسلامی توجه نمایند بعنوان ثانویه و ولایت فقیه عادل و جامع شرایط نیز توجه نمایند و در صورت چنین دید و توجهی قانون گذاری جامع الاطراف و دقیق و موافق امکان پذیر است و در غیر اینصورت خدای نخواستہ ممکن است چنین ذنبت برای خلیها بوجود آید...

مسئولان سیاسی و فرهنگی نظام الهی ما این است که بکوشند و تمامی امکانات خودشان را روی هم بریزند و از نیروهای متعهد و با سواد و اهل ذوق و سلیقه و آشنا بزبانهای گوناگون و زبان غنی فارسی که توان دریافت و فهم مطالب بلند و بالای حضرت امام «قدس سره» را نیز داشته باشند، استفاده نموده و این وصیت نامه را بصورت کامل و دقیق بزبانهای زنده دنیا برگردانند و در اختیار همه افرادی که از بی عدالتیها و خبیانتهای و نابرابریها و بردگیهای مدرن دنیای تکنولوژی رنج می برند و بسراغ نورانیت آزادیها و کرامتها و شرافتها و ارزشهای انسانی و دینی می روند و برای انقلاب و حرکتهای دگرگون سازشان راه و شیوه ای را می طلبند، بگذارند و زمینه رجعت انسان به خویش خویش را فراهم سازند.

حضرت امام «قدس سره» در این زمینه اینطور می فرمایند:

«و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی اینجانب اختصاص بملت عظیم الشان ایران ندارد. بلکه توصیه به جمع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب میباشد. از خداوند عزوجل عاجزانه خواهانم که لحظه ای ما و ملت ما را بخود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود باین فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه ای دریغ نفرماید.»

فقیه از اصول انقلاب اسلامی

است بلکه وصیت و توصیه از مقامی است الهی و بالاتر از افق تنگ و مقید عالم طبیعت که در آن زمان و مکان و دیگر قیودیکه محدودیت آور است ملحوظ نبوده و محیط بر همه آنها می باشد و می تواند در همه زمانها و مکانها و با توجه به همه قویتها و زبانها و نژادها در تمامی اعصار و قرون و با همه خصوصیات و ویژگیها دعوت و رسالت خویش را انجام دهد زیرا که پیام الهی و پیامبرگونه میباشد و مخاطبین آن ایرانی و لبنانی و افغانی و امثال اینها نمی باشد بلکه تمام کسانی است که دارای روح لطیف و درک عمیق و دلی پردرد و رنج از حوادث تلخ و دردناک تاریخ و زورگوئیها و ظلمها و حق کشیهای قدران عالم بوده و بوضوح و روشنی میدانند که تنها راه حل و پایان بخشیدن باین جنایتها بازگشت انسان بسوی خدا و حاکمیت عبودیت الهی و رهائی از قید و بند و اغلال مادیت و اهواء و تمایلات نفسانی میباشد و در این وصیت نامه سیاسی الهی هم دردها بخوبی و ریشه ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و هم راه حلها ارائه شده است و هر انسانی به تناسب درک و معرفت خویش می تواند از آن حظی برده و توشه ای برای فرار از خویش بردارد و از آن، شیوه برخورد با سیاست بازان بین المللی را آموخته و با هوشیاری و توجه دقیق جلوگیریها و فریبهای آنان را بگیرد و در مقابل نفوذ نامشروع آنان سدای آهنین و محکم بوجود آورد و لذا یکی از وظایف سنگین